

مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان

از دیدگاه قرآن

ممسسن مسن پور*

چکیده

اسلام با ظهورش به زنان تولد جدیدی بخشید و قانون تساوی زن و مرد را در ارزش‌های الهی و اجتماعی اعلان کرد و معیار فضیلت و برتری را در تقوا و پرهیزگاری دانست و حقوق هر یک را محترم شمرد.

برخی؛ انتقادات نابجایی از شریعت اسلامی به سبب حقوق زنان در اسلام دارند. اما مسلم است که این ادعاهای نابه‌حق، یا به سبب کج فهمی احکام حقیقی اسلام است یا غرض‌مندانه است، در واقع اسلام حقوق زنان را پاس داشته و بالاترین احترام را به زن می‌گذارد.

در این مقاله ضمن بررسی نقش و جایگاه زن در اجتماعات قبل از اسلام، با شیوه کتابخانه‌ای به بررسی روشنفکری نقش و مشارکت اجتماعی سیاسی زنان از دیدگاه قرآن کریم و سپس به جایگاه زن در روابط اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی پرداخته ایم.

کلید واژه‌ها: اسلام، اجتماع، زن، مشارکت، حجاب.

زن در اجتماعات بدوی بشر جزء جامعه انسانی محسوب نمی شده و هیچ گونه پایگاه اجتماعی نداشته و معامله ای که با زن می شد همانند معامله بشر با یک حیوان بود. اگر چنانچه بشر وسائل خوردن و آشامیدن و جفت شدن برای دام های اهلی فراهم می آورد و نیازمندی های آنها را رفع می کرد برای تامین یا جلب منفعی بود که از آنها توقع داشت نه برای این که آنها نیز مانند انسان موجودات زنده ای هستند که دارای حقوق خاص خود می باشند، متأسفانه وجود زن هم در جوامع بدوی و نگهداری اش در میان جماعت برای رفع یک سلسله نیازمندی های جامعه بود.

عرب ها برای زن هیچ استقلالی قائل نبودند و حرمت و شرافتی جز حرمت و شرافت خانواده برای او نمی شناختند. به زنان ارث نمی دادند و تعدد زوجات را مانند یهود بدون هیچ محدودیتی جایز می شمردند، دختران را در عربستان زنده به گور می کردند و حتی در برخی از قبائل دختران را سر می بریدند و در بعضی دیگر کودک دختر را از بالای بلندی و یا قله کوه به پایین پرت می کردند.^۱

پس از ظهور اسلام و نازل شدن قرآن همه چیز تغییر اساسی یافت و اسلام دیدگاه مردم را کاملاً تغییر داد آنجا که می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (النحل، ۱۶ / ۹۷)؛ «هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل کرده اند می دهیم». علامه طباطبایی^(۲) در تفسیر این آیه فرموده است: وعده جمیلی است که به زنان و مردان مؤمن می دهد که عمل صالح کنند و در این وعده جمیل فرقی میان زنان و مردان در قبول ایمانشان و در اثر اعمال صالحشان که همان احیاء و حیات طیبیه و اجر به حسن عمل است نگذاشته و این تسویه میان زن و مرد علی رغم بنایی است که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری داشتند و زنان از تمامی مزایای دین و یا بیشتر آن محروم می دانستند و مرتبه زنان را از مرتبه مردان پایین تر می پنداشتند و آنان را در وضعی قرار داده بودند که به هیچ وجه قابل ارتقاء نبودند؛ پس این که فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ»؛ حکمی است کلی نظیر تاسیس قاعده ای؛ بر هر کس که عمل صالح کند حالا هر که می خواهد باشد تنها مقیدش کرده به این که صاحب عمل

مؤمن باشد و این قید در معنای شرط است چون عمل فردی که مؤمن نیست حبط می شود و اثری بر آن مترتب نیست.^۲

ما در این مقاله قصد داریم نقش و مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان از دیدگاه قرآن کریم را بررسی نمائیم و ببینیم با وجود دستوراتی چون حجاب در اسلام آیا زن از حضور در اجتماع منع شده است یا حضور با عفاف از زن خواسته شده است؟ تا جامعه انسانی مصون از گناه باشد و یا چرا؟ گاهی زن را از حضور در اجتماع منع می نمایند مانند این که شهادت زنان باید دو برابر مردان باشد؟

نقش اسلام در احیای ارزش مقام زن

تحقیر و در هم شکستن شخصیت زن تنها در میان عرب جاهل نبود؛ بلکه در میان اقوام دیگر و حتی شاید متمدن ترین ملل آن زمان نیز، زن شخصیتی نا چیز داشت، ولی اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید، مخصوصاً تولد دختر را که ننگ می دانستند در احادیث اسلامی به عنوان گشوده شدن ناودانی از رحمت خدا به خانواده معرفی کرد.

و خود پیامبر (ص) آنقدر به دخترش بانوی اسلام فاطمه زهرا(ع) احترام می گذاشت که مردم تعجب می کردند، با تمامی مقامی که داشت، دست دخترش را می بوسید و به هنگام مراجعت از سفر نخستین کسی را که دیدار می کرد، دخترش فاطمه(ع) بود، و به عکس هنگامی که می خواست به سفر برود آخرین خانه ای را که خدا حافظی می کرد، باز خانه فاطمه(ع) بود. در حدیثی از پیامبر (ص) می خوانیم که فرمود: «نعم الولد البنات، ملطفات، مجهزات مونسات، مبارکات، مفلیات؛ چه فرزند خوبی است دختر!؟ هم پر محبت است، هم کمک کار، هم مونس است و هم با برکت و هم پاک و پاک کننده».^۳

در حقیقت این احترام به شخصیت زن، سبب آزادی او در جامعه و پایان دادن به دوران بردگی زنان است. گر چه در این زمینه سخن بسیار است... ولی از این واقعیت نمی توان به آسانی گذشت که با نهایت تأسف هنوز در جوامع اسلامی، آثاری از همان افکار جاهلی وجود دارد، و هنوز کم نیستند خانواده هایی که از تولد پسر خوشحال و از نوزاد دختر ناراحت می شوند.^۴

نقش حقوق زن در کانون خانواده و اجتماع

اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومت زن را از مرد گرفته است، و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تامین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دویدن به دنبال پول معاف کرده است... علت دیگر برای لزوم نفقه زن بر مرد، در کار است. این است که مسئولیت رنج و زحمات طاقت فرسای تولید نسل از لحاظ طبیعت به عهده زن گذاشته شده است... به علاوه زن و مرد از لحاظ نیروی کار و فعالیت های خشن تولیدی و اقتصادی، مشابه و مساوی آفریده نشده اند... به علاوه زن باقی ماندن، زن، یعنی باقی ماندن جمال و نشاط و غرور در زن، مستلزم آسایش بیشتر و تلاش کمتر و فراغ خاطر زیادتری است. لذا نه تنها مصلحت زن، بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش های اجباری خرد کننده معاش معاف باشد. مرد هم می خواهد کانون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفع خستگی و فراموشخانه گرفتاری های بیرونی باشد. ۵

اسلام در هزار و چهارصد سال پیش این قانون را گذراند و گفت: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۴/۳۲)؛ «مردان را از آنچه کسب می کنند و به دست می آورند بهره ای است، و زنان را از آنچه کسب می کنند و به دست می آورند بهره ای است». قرآن مجید در این آیه همان طوری که مردان را ذی حق دانست زنان را نیز ذی حق دانست.

نقش و مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن

خورشید اسلام از افق نیلگون این جهان سر زد و با فروغ درخشان، جهان و جهانیان را روشنایی داد دنیا به دو دسته متمایز منقسم بود. یک دسته متمدن مانند امپراطوری بزرگ روم و شاهنشاهی ایران و ملل دیگر مانند مصر و حبشه و هند و چین و در میان این ملل زن حکم اسیر داشت. ۶

یعنی انسانی که آزادی اراده و عمل نداشت و از مزایای عمومی اجتماع به کلی محروم بوده ارث نمی برد، عملش احترام نداشت و هر نفسی را که می کشید یا قدم بر می داشت با

تصویب و اذن مرد می بایست انجام دهد و... .

دسته دوم ملل و اقوام عقب مانده مانند اهالی آفریقا و سکنه گوشه و کنار دنیا که زن در میان این اقوام و قبائل اصلا انسان محسوب نمی شده، بلکه طفیلی جامعه به شمار رفته و در صف حیوانات استخدام و استعمار شده قرار داشت. ۷

این بود اوضاع عمومی جهان آن روز که محیط عمومی ظهور اسلام بود و البته محیط خصوصی آن که جزیره العرب بود نیز دست کمی از آن نداشت و چه بسا اسفناک تر از آنها نیز بود. قرآن کریم در آیات مختلف به زنده به گور کردن دختران اعراب اشاره کرده و به آن معترض می شود در سوره نحل آیه ۵۹ چنین می خوانیم: «و وقتی که یکی از آنها را با ولادت دختری مژده دادند در حالی که غیظ خود را فرو می برد رویش سیاه می شود و از بدی خبر از چشم مردم پنهان می شود آیا این خبر او را در خواری همیشگی نگاه می دارد یا به خاک می مالد، چه حکم بدی است که می کنند».

در سوره تکویر آیه ۸ و ۹ آمده است: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؟»؛ «روز قیامت از دختری که زنده به گور شده سؤال می شود که با چه گناهی کشته شده».

در چنین محیطی اسلام زن را جزء حقیقی و عضو کامل جامعه انسانیت قرار داده و از اسارت بیرون آورده و آزادی اراده و عمل به او بخشیده است. از نگاه قرآن و اسلام زن مانند مرد در ثروتی که طبقه گذشته به ارث می گذارند شرکت دارند و از پدر و برادر و عمو و خاله و سایر خویشاوندان و همسر ارث می برند. در سوره نساء آمده است: «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ» (النساء، ۴/۷)؛ «و زن‌ها از ترکه پدر و مادر و خویشاوندان مانند مردان نصیب دارند خواه کم بوده باشد خواه زیاد». و هر کار مشروع و زندگی معروف را برای خود انتخاب کند آزاد است و عمل او احترام دارد. حقوق خود را می تواند مطالبه کرده و به مراجع صالحه مستقیما مراجعه کند و در صورت تعدی اقامه دعوی نماید و شهادت اقامه کند و در همه این مراحل که کلیات زندگی زن با آنها کامل می شود، مرد هیچ گونه ولایت و قیمومت و تحکمی نسبت به زن ندارد؛ چنانچه قرآن در سوره بقره می فرماید: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (البقره، ۲/۲۳۴)؛ «مسئولیت کاری که زن‌ها در حدود شرع و عرف کردند به عهده شما نبوده است و آنها آزادند».

خلاصه کلام این که شریعت اسلام بزرگترین دینی است که در یکایک قواعد و مقرراتش رعایت نوامیس و اصول تغییرناپذیر آفرینش را کرده و همه جا قوانین وضعی خود را با سنن طبیعی و فطری خلقت همدوش ساخته است. اسلام با مسأله حضور زنان و نقش آنان در اجتماع موافق است و عمل پیامبر اسلام (ص) در بیعت گیری از زنان گواه بر پذیرش حضور آنان در اجتماع است. و پیامبر اسلام (ص) تفاوتی میان زن و مرد در این باره نگذاشته است. اما گاه می بینیم تفاوت هایی در حقوق زن و مرد به چشم می خورد گویی می خواهد زن از اجتماع بدور باشد برای مثال: چرا شهادت دو زن با شهادت یک مرد برابر است. شاید به نظر بیاید اسلام با حضور زن در اجتماع مخالف است اما در پاسخ باید گفت:

۱. شهادت جزء حقوق نیست بلکه تکلیف است و کسی که می تواند شهادت دهد حق ندارد از ابراز آن خودداری نماید زیرا کتمان شهادت در اسلام جرم و گناه است. از این رو وقتی برای اثبات قضیه ای نیاز به شهود بیشتری باشد در واقع تکلیف کمتری متوجه فرد شده و از این جهت نسبت به زن رعایت و ارفاق شده است.

۲. همان طور که در فلسفه حقوق و اصول جرم شناسی و دادرسی کیفری ثابت شده است و روان شناسان آن را تایید کرده اند اظهار و اطلاع از هر قضیه و واقعه و بیان شکل و خصوصیت هر رویداد مورد مشاهده به حسب آن که شاهد آن زن باشد یا مرد، عاطفی باشد یا خوددار، طفل باشد یا بزرگ سال، فرق فاحش پیدا می کند و تجربه شده است که شهادت اشخاص احساسی و عاطفی که طبعاً نیروی تخیل قوی تر دارند- نیروهای تخیلی آنها ناخودآگاه در اصل واقعه و نقل آن تصرفاتی می کند و قسمتی از آنرا تغییر می دهد- از دقت کمتری برخوردار است.

زن نوعاً یک موجود عاطفی و احساسی است و شهادت در اموری که اهمیت زیادی دارد، نباید تحت تاثیر عوامل جانبی احساسات قرار گیرد، بلکه باید همراه با دقت بیشتری باشد. زن به دلیل غلبه احساسات و عواطف که لازمه زندگی زناشویی و ایفای نقش مادری و همسری است، در مقایسه با مرد از جنبه تعقلی کمتری برخوردار است. بنابراین زن و مرد به طور یکسان از عقل برخوردارند اما احساسات قوی زنانه در بهره گیری از عقل به مثابه مانع عمل می کند. بدین منظور در باب شهادت، از آنجا که احساسات سرشار زن ممکن است مانع از اتخاذ موضعی صحیح گردد، انضمام شاهدهی دیگر به منظور حصول

اطمینان پیش بینی شده است.^۸

تفسیر نمونه در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره، به این مطلب اشاره می کند: این که چرا شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد شمرده شده، به خاطر این است که زن موجودی است عاطفی و احیانا ممکن است تحت تاثیر قرار گیرد، لذا یک نفر دیگر به او ضمیمه شده تا از تحت تاثیر قرار گرفتن او جلوگیری کند.

۳. اگر شهادت دو زن دلیل بر نقصان شأن زن بود، در برخی موارد که شهادت مرد بی تاثیر است شهادت زن به طریقی اولی باید بی تاثیر باشد در حالی که چنین نیست، شهادت یک زن یک چهارم مطلوب را ثابت می کند، در حالی که شهادت یک مرد هیچ ارزش قضایی ندارد؛ مثلا برای اثبات مال الوصیة شهادت یک مرد چیزی را ثابت نمی کند ولی شهادت زن، یک چهارم آنرا ثابت می کند. همچنین شهادت برای زنده متولد شدن طفل که شهادت یک مرد چیزی از ارث را ثابت نمی کند ولی شهادت هر زن یک چهارم ارث ثابت می شود.

۴. در برخی موارد شهادت یک زن را به طور مطلق پذیرفته است؛ مانند: شهادت برای اثبات ولادت یا بکارت یا عیوب جنسی زن، که شهادت یک زن قضیه را ثابت می کند. ۵. شرط قبول شهادت، عدالت شاهد است و اگر زن فاقد شخصیت و اعتبار بود

شهادت او پذیرفته نمی شد، نه آن که در هر مورد به مناسبت با آن تعداد شهود معین شود. در شهادت دو چیز مورد توجه شارع بوده است: یکی آن که شاهد باید قطع و یقین به مورد شهادت داشته باشد، دیگر آن که شهادت به انگیزه های دیگری غیر از علم و اطلاع نباشد، مانند نفع شخصی یا ... این هم دقت شارع را در این امور می رساند تا بر اثر شهادت حقیقتی ثابت شود و در مواردی که خطر آن وجود دارد که بر اثر غلبه احساس و عاطفه اندکی پا روی حق گذاشته شود تعداد شهود را افزایش داده است.^۹

جایگاه زن در روابط اجتماعی اخلاقی

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ* وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ

رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا وَعَاقِبَتُ مِنَ الْقَانِنِينَ» (التحریم، ۶۶/۱۰-۱۲)؛ «خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند، و کاری از دست شوهران آنها در برابر خدا ساخته نبود، و گفته شد: با داخل شوندگان داخل آتش شوید. و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، آنگاه که گفت: پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده، و مرا از دست مردم ستمگر برهان. و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود».

اسلام برای ابعاد اخلاقی زنان پاکدامن ارزش قائل شده و همه را بر الگوپذیری از این زنان دعوت می‌کند و می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا» به صورت جمع مذكر آمده؛ یعنی: همه را حتی مردان. و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (النساء، ۴/۱۲۴)؛ «و کسانی که کارهای شایسته کنند چه مرد باشند یا زن در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

از نظر اسلام، اصل اشتراک مرد و زن، در انسانیت و حقوق، عمومی و یکسان است. اسلام از بعثت و رسالت محمد (ص) و تأیید روحی و خلقی و آگاهی یک زن - خدیجه کبری (س) - آغاز شد. رسول اکرم (ص) در محیط نا مساعد و سراسر دشمنی، مسئولیت سنگین ابلاغ و رسالت را انجام می‌داد و آن زن به تنهایی هم تسلیت دهنده بود و هم مربی اطفال و نگهبان خانه رسالت؛ خانه‌ای که از میان تاریکی‌ها و آلودگی‌ها به هر جانب پرتو افکند و تا همه آفاق دنیا گسترش یافت.

جامعه بزرگ بشر را جوامع کوچک خانوادگی می‌سازد و مادامی که سبب رأفت و گرایش بین اعضای خانواده پدید نیاید، اجتماع نیز از روح انسانی خالی است. مهمترین عاملی که بین افراد خانواده گذشت و ایثار را زنده می‌کند تجلی روح مادر در بین اعضای خانواده است.^{۱۰} این است جایگاه زن که از واحد کوچک اجتماع؛ یعنی: خانواده آغاز می‌شود و تا سطوح مختلف پیش می‌رود. افراد بشر از لحاظ حقوق اجتماعی غیر خانوادگی... هم وضع مساوی دارند و هم وضع مشابه؛ یعنی: حقوق اولی طبیعی آنجا

برابر یک‌دیگر و مانند یک‌دیگر است^{۱۱}. پس زن و مرد به طور مساوی در ساختن ابعاد اجتماع دخیل هستند زیرا در خانواده با مشارکت یک‌دیگر زندگی می‌کنند. و حتی اگر مردی به مقامی برسد به خاطر فداکاری زن است که از دامن زن مرد به معراج می‌رود.

جایگاه زن در روابط اجتماعی اقتصادی و سیاسی

قرآن زن را به عنوان عضوی از اجتماع و خانواده می‌داند آن‌هم عضوی که ریشه و اصالت جامعه به وجود او وابسته است. تذکرات پیوسته دوری از فساد، سطحی‌نگری در امور زندگی و پابندی به تعهدات، تربیت سالم و پاک، مشارکت در امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و بهره‌گیری از آن در مباحث اقتصادی مانند ارث با شرایط اجتماعی آن‌روز کاملاً تعادل و برابری مد نظر بوده که امروزه به دلیل نقش بارز زنان در دستاوردهای اقتصادی و مشارکت عینی آنان اداره زندگی معیشتی اعم از کار در مزرعه، باغ، خانه، ادارات، تعلیم و تربیت و... ارزش اقتصادی آنها محاسبه گردیده است. در سوره نساء چنین آمده است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (النساء، ۴/۳۲)؛ «برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است». پس قرآن برای فعالیت‌های اقتصادی زنان ارزش قائل بوده و به رسمیت می‌شناسد. و در سوره بقره در مورد حقوق زن چنین آمده است: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (البقرة، ۲/۲۳۶)؛ «اگر زنان را مادامی که با آنان نزدیکی نکرده و یا برایشان مهری معین نکرده اید، طلاق گوید، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره مند کنید، توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگ دست به اندازه [وسع] خود. [این کاری است] شایسته نیکوکاران». و در سوره نساء آیه ۱۹ می‌خوانیم که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکرار ارث برید».

اسلام زن را صاحب اختیار اموال خود می‌داند و در تفسیر میزان ذیل تفسیر این آیه می‌بینیم در قدیم مردی که می‌مرد زنش را به ارث می‌بردند و مالک اموالش می‌شدند این آیه در مقام نهی آن عادت برآمده و زنان را از این انقیاد نجات داده است. اینها نظر قرآن در

۲۴ قرن پیش است. امروز می‌بینیم دانشمندانی چون جان استوارت میل علیه ظلم و ستم به زن در اجتماع امروزی سکوت نمی‌کند و در کتاب خود می‌گوید: محروم کردن زنان از نقش‌های اجتماعی مهم بی‌عدالتی بزرگ است که در حق نیمی از نژاد بشر می‌رود. ۱۲

معلوم است که در اجتماعات امروزه هم به زن ظلم می‌شود اما اسلام ۱۴ قرن پیش مدافع حقوق زن بوده است و مالکیت زن در اموالش را به رسمیت می‌شناسد.

حجاب و حضور اجتماعی زنان

بعضی‌ها برای پوشش زن ریشه اقتصادی قائل شده گفته‌اند... مردان به خاطر این که از وجود زنان بهره اقتصادی ببرند و آنها را مانند بردگان استثمار کنند، آنها را در خانه‌ها نگه می‌داشتند و برای این که فکر زن را قانع کنند که خود به خود از خانه بیرون نروند و بیرون رفتن را کار بدی بدانند فکر حجاب و خانه نشینی را خلق کردند. ۱۳

در اسلام هرگز چنین طرز تفکری وجود ندارد که زن از خانه بیرون نرود. خطبه حضرت زینب (ع) در شام زبان زد خاص و عام است. آنچه اسلام بدان معتقد است نه محبوسیت زن در خانه است و نه نظامی که دنیای جدید آنرا پذیرفته است و عواقب شوم آن را می‌بیند؛ یعنی: اختلاط زن و مرد در مجامع. حبس کلی زن نوعی مجاز بوده که به طور موقت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شد که در سوره نساء چنین آمده: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوا فَاَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا» (النساء، ۴/۱۵)؛ «زنانی از شما که مرتکب زنا می‌شوند چهار شاهد برآنان بگیرید. اگر چهار شاهد شهادت دادند، آنان را در خانه حبس کنید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا راه دیگری برایشان معین کند». مفسران می‌گویند مقصود از راه دیگر این است که این حکم هم موقت است.

اسلام با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع با حفظ حریم. در زمان رسول خدا (ص) نیز همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس منع نمی‌شدند ولی همواره اصل - حریم - رعایت شده است. پس اسلام از حضور اجتماعی زنان منع نمی‌کند ولی از خودنمایی و ایجاد فساد در جامعه منع می‌نماید.

در حجاب اسلامی سهل‌انگاری‌هایی مضر و سخت‌گیری‌هایی بی‌مورد وجود ندارد،

پوشش اسلامی آن گونه که غرب تبلیغ می کند به معنای حبس زن در خانه نیست و همچنین به معنای پرده نشینی و عدم شرکت در مسائل اجتماعی و سیاسی، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با بیگانگان موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. با توجه به غریزه آتشین جنسی در بشر دستورات اسلام تدابیری است در جهت تعدیل و رام کردن و هم چنین ارضای صحیح این غریزه، حرمت چشم چرانی که بین زن و مرد مشترک است و یا وجوب پوشش که مختص زنان است از همین حقیقت سر چشمه می گیرد. از آنجا که میل به خود نمایی و خودآرایی مختص زنان است و در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان از لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده استفاده کنند. دستور پوشش نیز برای آنان مقرر شده است.

نتیجه گیری

مقاله ای که پیش روی شما است، با هدف ارائه دیدگاه دین اسلام در مورد جایگاه و منزلت زنان در اجتماع به روش کتابخانه ای به انجام رسیده است. آنچه به عنوان محور اصلی این تحقیق در نظر گرفته شده، تلاشی است در جهت دفاع از حریم انسانی زنان و جایگاه او در اجتماع و ترسیم مقام خلیفه الهی او که خداوند به همه انسان ها چه مرد و چه زن ارزانی داشته است.

دین یهود زن را عامل گناه اولیه آدم و مسئول خروج وی از بهشت می داند و دختر داشتن از نگاه آنان امری مکروه و ناپسند است. مسیحیان معتقد بودند زن موجودی شرم آور است و ارتباطی به نوع انسان ندارد. در آئین برهمنی زن دارای وجودی تبعی و جزء مایملک پدر و شوهر خود محسوب می شده است. در آیین کنفوسیوس زن انعکاسی از مرد است که برای خدمت و جذب عطف شوهر آفریده شده است.

در عربستان نیز دختران را زنده به گور کرده و زنان را در حد برده تنزل دادند. در جوامع متمدن باستانی نیز زنان از حقوق طبیعی خود از قبیل شرکت در اجتماع، ارث، حق تحصیل علم و انتخاب همسر محروم بوده اند.

خداوند در قرآن کریم برای زن چه جایگاهی در نظر گرفته است؟ زن در قرآن به عنوان انسانی صاحب کرامت و خلقتی ممتاز از سایر موجودات و روحی اصیل با مقام خلیفه الهی

است که در تمام کمالات با مرد مشترک بوده با توجه به این که او از مقام شامخ مربیگری انسان در کسوت مادر نیز برخوردار است .

از منظر احادیث و روایات زنان در اجتماع چه جایگاهی دارند؟ در مکتب اهل بیت (ع) زنان را مایه خیر، برکت، میمنت و محور رزق پروردگار و نیکی کردن به آنان را پسندیده و امری ثواب معرفی کرده اند . زنان الگو و نمونه اسلامی صاحب چه امتیازات و ویژگی‌هایی هستند؟ با بررسی آیات قرآن مشخص گردید همانگونه که خداوند هنگام اصطفا و انتخاب عده ای از مردان را برای رسالت و تحقق اراده الهی انتخاب کرده، گروهی از زنان را نیز برای تحقق کلمة الله و ظهور مشیت ربوبی انتخاب نموده است . از جمله حضرت فاطمه زهرا (ع)، حضرت مریم (ع)، مادر و خواهر حضرت موسی (ع)، همسر فرعون و ساره که در قرآن به نیکی از آنها یاد شده است .

در صدر اسلام نیز زنانی ظهور کردند که در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و حتی نظامی نقش بسزایی داشتند، که توانمندی زن را به اثبات رساندند .

دین اسلام چه حقوقی را در بعد فردی و اجتماعی برای زنان در نظر گرفته است ؟ آنچه اسلام نمی‌پسندد این است که حضور زن در اجتماع باعث ایجاد فساد گردد . احکام حقوق زن در اسلام از جنبه‌های مختلف چون: حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق اساسی و اداری با لحاظ مجموع تفاوت‌های زن و مرد در احوال، صفات، توانمندی‌ها، استعدادها و شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان در نظر گرفته شده است که منافاتی با جایگاه رفیع زن ندارد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۱ . بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام / ۳۶ . ۸ . درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام / ۷۶ .
- ۲ . ترجمه المیزان، ۱۲ / ۴۹۱ .
- ۳ . الکافی، ۵ / ۶ .
- ۴ . تفسیر نمونه، ۱۱ / ۲۷۴-۲۷۷ .
- ۵ . مجموعه آثار استاد مطهری - نظام حقوق زن در اسلام، اسلام، ۱۹ / ۱۵۹ .
- ۱۲ . انتقاد زن «ترجمه: طباطبائی» / ۷۷ .
- ۶ . نقش اجتماعی و حقوق زن «شهید بهشتی» / ۳۰ . ۱۳ . مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مسأله حجاب، ۱۹ / ۴۰۸ .
- ۷ . همان / ۳۱ .